

## «ماجرای چاقو و دسته اش»

«جوکر»، «انگل»، «پلتفرم» و ... منتقد سرمایه سالاری اند یا بهترین و پیچیده ترین طرفدار آن؟!

صابر اکبری خضری<sup>۱</sup>

۱- سرمایه سالاری<sup>۲</sup> (capitalism) اگر چه به نوع خاصی از مناسبات و روابط اقتصادی اطلاق می شود، اما این مناسبات صرفاً در مرحله اقتصادی باقی نمی ماند و ساختارهای سیاسی، فرهنگی، دینی و معرفتی خود را ایجاد می کند، بنابراین سرمایه سالاری نه تنها یک سلسله مناسبات اقتصادی، بلکه یک ساختار تمدنی است که تمامی شئون دیگر زندگی را در بر می گیرد و خود را در آن ها امتداد می دهد.<sup>۳</sup>

۲- سرمایه سالاری، پولداری نبوده و هدف آن نیز پول دار شدن نیست، چه اینکه در نظام پول محوری، پول به دست می آید تا خرج شود، پول برای پاسخ به نیاز است، اما در نظام سرمایه سالار، هدف نه کسب پول که کسب سرمایه است، سرمایه پولی است که نه برای خرج شدن، که برای جمع شدن و کسب پول بیشتر به دست می آید، سرمایه سالاری پول روی پول آوردن است؛ یک دور و تسلسل تمام نشدنی.

۳- سرمایه سالاری مصرف بر مبنای تولید است، نه تولید بر مبنای مصرف، بنابراین رکن سرمایه سالاری نه تولید، که مصرف است، اگر مصرف نباشد تولیدی نخواهد بود، هر چه مصرف بیشتر شود، سود بیشتری عائد می شود و تولید نیز طبیعتاً بیشتر خواهد شد. مصرفِ عنان گسیخته، شیشه عمر نظام سرمایه سالار است، مصرف نه برای رفع نیاز، بلکه مصرف برای مصرف، مصرفِ کور!

---

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات / [mosafer.rezvan@gmail.com](mailto:mosafer.rezvan@gmail.com)

<sup>۲</sup> در بند های ۱ تا ۶ باید برای مخاطبان غیر علوم انسانی که احتمالاً کمتر با این مفاهیم مواجه بوده اند، اندکی مقدمه چینی و بیان مفهومی کنم، می توانید از بند ۷ خواندن را ادامه دهید.

<sup>۳</sup> در این معنا نظام سرمایه سالاری، دینی عمل می کند، دین نیز اگر چه از یک ساختار معرفتی شروع می شود، اما خود را در عرصه های مختلف امتداد می دهد، چنانکه می گوئیم اقتصاد اسلامی، اقتصاد غیراسلامی و علوم اسلامی و علوم غیراسلامی. متفکرین مختلفی نیز از این زاویه به سرمایه سالاری نگریسته اند، از جمله آن ها والتر بنیامین در نوشتار مشهور «سرمایه سالاری به مثابه دین» و یا دیگرانی که پروژه فکری شان نقد الهیات سرمایه سالاری بوده است.

۴- نظام سرمایه سالار تبعات و اقتضائاتی دارد، فاصله شدید و بلکه شکاف طبقاتی یکی از آن هاست؛ در واقع سرمایه سالاری جامعه را به دو گروه فرادست و فرودست تقسیم می کند، فرادستان در کانون مناسبات قدرت و ثروت قرار دارند و فرودستان محروم و کم بهره از این امکانات هستند.

۵- «هژمونی»، آن ساختار معرفتی و فرهنگی است که وضع موجود را در نظام سرمایه سالاری توجیه می کند که از طریق رسانه ها، آثار فکری و ... به مردم و فرودستان منتقل می شود و هدف نهاییش یک چیز است؛ کاری نکنید! تغییر ندهید! مصرف کنید! راضی باشید! مفهوم محوری که سرمایه سالاری سعی در نهادینه کردن آن دارد، «انفعال» است و مصرف همان انفعال است. انسان ایده آل سرمایه سالاری، فردی به درد نخور بی مصرفی است که فقط مصرف می کند، این زنانگی و انفعال همان چیزی است که سرمایه سالاری دنبالش است، مصرف گرایی! همین است که گفته اند سرمایه سالاری نظامی زنانه است.

۶- مرکز این سرمایه سالاری لاقبل تا امروز یا شاید تا همین چند روز پیش،<sup>۴</sup> اروپای غربی و آمریکای شمالی بود. طبیعی است که این کشورها بخواهند و باید به هر طریق شده با ساخت آثار رسانه ای، محصولات فکری و ... وضع موجود را مطلوب نشان دهند، این مهم تا سال های متمادی در فیلم های ساخته شده و از آن مهم تر فیلم هایی که توسط جوایز و جشنواره ها و منتقدین و ... برجسته می شوند، دیده می شد، اما...

۷- «جوکر» اثری است که سرنوشت تلخ و تاریک یک فرودست را نشان می دهد، جامعه به نمایش درآمده در جوکر، نه یک آمریکای رویاگونه و آرمانی بر محور قهرمان چنان که در فیلم های کمپانی «مارول» می بینیم، بلکه پر از فقر و تلخی بر محور ضدقهرمان است، ممکن است هنگام دیدن فیلم جنگ ستارگان غبطه بخوریم که چرا ما چنین قهرمانانی نداریم، اما هنگام دیدن جوکر حتی احساس حسادت و غبطه هم نمی کنیم، که بسیار تأسف می خوریم و ناراحت می شویم از این همه ظلم و تحقیر و تمسخر و فشار اجتماعی که طبقات فرادست بر سر او می آورند؛ بنابراین شاید در نظر اول جوکر یک فیلم انتقادی علیه وضع موجود و نظام سرمایه سالار به نظر برسد.

۸- «انگل» نیز جامعه طبقاتی و تفاوت فاحش افراد فرودست و فرادست در آن را به نمایش می گذارد. طبیعتاً به نظر می رسد فیلم طرفدار فرودستان است، آنان که نه فقیر، بلکه زیر خط فقر هستند. بنابراین جوکر و انگل در

---

<sup>۴</sup> نه اینکه سرمایه سالاری غربی نابود شده، ولی به نظرم اندک اندک دیگر نه آمریکا و اروپا که چین و هند نماینده اصلی آن می شوند، نسخه شرقی سرمایه سالاری به مراتب پیچیده تر و پیشرفته تر و خطرناک تر از نمونه غربی آن است که وافرآیدا از آن!

مضمون محوری مشابه هم هستند<sup>۵</sup> و موضوع هر دو فیلم به نوعی نمایش همین جامعه طبقاتی است. اما در این بین یک نکته مهم و قابل تأمل هست، مهم ترین جوایز سینمایی (اسکار و کن) در سال گذشته به همین دو فیلم یعنی انگل و جوکر رسید. چطور می شود مهد سرمایه سالاری بزرگترین و مهم ترین جوایز خودش را به فیلم هایی بدهد که علیه خودش است؟! یعنی شیطان بزرگ و دارودسته اش توبه کرده اند؟!

۹- استراتژی هژمونیک سرمایه سالاری دچار یک شیفت و تغییر اساسی شده است؛ فیلم های ساده تر هالیوودی همین نظم و ساختار اجتماعی رو توجیه می کردند و خوب نشان می دادند، اصلاً اوضاع بد نیست! شرایط عادلانه و مطلوب است! عبارت محوری و اصلی این بود: هر کس به هر چیز بخواهد می رسد، کافی است تلاش کند! روایت قصه افرادی که از فقر شروع می کنند و به ثروت می رسند و از این قبیل... اما الآن دیگر این مدل جواب نمی دهد و کهنه شده است، حالا با مدل پیشرفته تری از نظام هژمونیک سرمایه سالاری مواجه هستیم؛ الگویی که شرایط را واقعاً نشان می دهد و می پذیرد که چه قدر اوضاع بد است، چه قدر فاصله بین فقیر و غنی زیاد است، چه قدر همه چیز نامرتب و ناعادلانه و غیرمنصفانه است. پس اشکالات اساسی وضع موجود را کاملاً قبول می کند و اتفاقاً قبل از اینکه هر کس دیگری به آن اشاره کند، خودش بدترین سطح ممکن را که می شود تصور کرد به نمایش می گذارد! چنان که گویی حکیمی است که عمیق تر و بیشتر و بیشتر از هر فرد دیگری به اشکالات خود واقف است، اگر بقیه می خواهند در زبان نیش و کنایه، غیرمستقیم و آرام علیه آن چیزی بگویند و در گوش هم پیچ بچی بکنند، او خودش جسورانه به وسط می آید، خودش را معرفی می کند و همه آن چه را که بر سر زبان بقیه بود، بی آن که توان و جرئت گفتنش را داشته باشند، بلند و صریح داد می کشد. البته تا همین جا این یک پهن مثبت برای سرمایه سالاری است، چه آن که لااقل اشکالات خود را انکار نمی کند، بلکه تعجب همگان را و می دارد که تا چه حد عمیق به ضعف ها و کاستی ها و لجن ها پی برده است، تا همین جا هم این شجاعت ستودنی است و تا همین جا یک صفر به نفع او.

۹- وقتی<sup>۶</sup> در فیلم انگل مواجهه خانواده ثروتمند و خانواده فقیر را می بینیم، طبیعتاً انتظار داریم که فرودستان با هم متحد شوند و علیه فرادستان بشورند و تلاش کنند تا این ساختار طبقاتی که باعث تحمیل این حد از تبعیض و

---

<sup>۵</sup> به این دو فیلم، می توان آثار دیگری نیز که در چند سال اخیر تولید شده اند را اضافه کرد: سینمایی پلتفرم، سریال بلک میرر و ...

<sup>۶</sup> در خطوط پیش رو داستان این فیلم ها بازگو و «اسپویل» می شود! فلذا اگر قصد دیدن فیلم ها را دارید، ادامه متن را بعد از فیلم بخوانید.

فشار بر آن ها شده است را از بین ببرند. انگل درست همین جا را هدف گرفته است. وقتی شرایط چنین بد است و به عده ای چنین ظلم می شود، انتظار داریم کنشی برای تغییر وضع موجود بکنند، اما نمی کنند!

۱۰- فهم پیشینی ما از طبقه فرودست و مهم ترین نماینده آن ها یعنی کارگران، افرادی شریف، زحمتکش، اخلاق مدار و عدالت خواه. افرادی که مورد ظلم قرار گرفته اند و علیرغم تلاش و شایستگی شان، محرومند؛ افرادی که با کار زیاد، مزد کم می گیرند، افرادی که مانند فرادستان حلیه گری های لازم برای قرار گرفتن در کانون روابط ثروت و قدرت را بلد نیستند. افرادی به شدت اخلاقی و شریف و محترم که حاضر نیستند برای کسب پول دست به هر کاری بزنند، فرودستان و کارگران با گدایان و بی مصرف ها فرق می کنند.

۱۱- ما در این فیلم نه با طبقه فرودست و کارگر چنان که فکر می کردیم، بلکه با افرادی پست و حقیر، وحشی، غیرانسانی، بی غیرت، غیرمحترم، شارلاتان، غیراخلاقی، حلیه گر، فریب کار، بی خاصیت، مفت خور، دزد و انگل مواجه هستیم! اصلاً چرا نام فیلم انگل است؟ زاویه نگاه کارگردان و فیلم از همین نام گذاری و شخصیت ها مشخص می شود و آن ها خیلی زود خود را لو می دهند، در همان سکانس های ابتدایی می بینیم که با چه افراد بی شرفی مواجه هستیم، خانواده ای که خود هیچ تلاشی نمی کنند، حتی در کار ساده درست کردن جعبه پیتزا هم بی تعهد و شارلاتان هستند، از اینترنت طبقات بالای خانه شان دزدکی استفاده می کنند، برای خود کمترین ارزش و احترام انسانی قائل نیستند، چنانکه وقتی فردی جلوی منزلشان قضای حاجت می کند هیچ اعتراضی نمی کنند و ... نه تنها نمی شود به این خانواده علاقه مند شد و با آن ها احساس همذات پنداری کرد، بلکه یقین می آوریم که هر چه سرشان می آید حقشان است، افرادی به غایت پست و انگل.

۱۲- انگل چیست؟ موجودی که خودش هیچ تلاشی نمی کند و هیچ استحقاقی ندارد، هیچ نفعی برای دیگران و جامعه ندارد، فقط به بقیه می چسبد و ذلیلانه و فریب کارانه حاصل تلاش آن ها را می مکد و مصرف می کند. این تازه اول ماجراست... خانواده فرودستی که در انگل می بینیم به هر کاری دست می زند تا فقط وضع خود را بهتر کند، برایش هیچ اهمیتی ندارد که از چه طریق و با چه سازوکاری، فقط و فقط می خواهد خودش را بالا بکشد، حال این کار دروغ گفتن درباره مشکلات روانی یک کودک است یا زیرآب خدمتکاران قبلی را به هر شکل ممکن زدن و خود را جای آن ها نشان دادن و یا به لگد و وحشیانه دوستان هم طبقه و با وضع مشابه خود را کتک زدن و به قتل رساندن به فجیع ترین حالات ممکن!

۱۳- خانواده انگل، حتی به حداقل های انسانی پایبند نیستند، آن ها کمترین رحم و مروتی حتی به افرادی که اوضاعشان مشابه هست یعنی خدمتکاران قبلی خانه، ندارند، صحنه ای که خانواده ثروتمند در سفر است و خدمتکار قبلی برای سر زدن و غذا دادن به شوهرش می آید را به یاد بیاورید! حتی پدر این خانواده وقتی دخترش کشته می شود، فقط به فکر نجات دادن خود و فرار است و لحظه ای پدر بودن از او مشاهده نمی کنیم و به همین ترتیب مادر خانواده و ... خانواده انگل یا همان خانواده فرودست، کثیف ترین و پلیدترین موجوداتی هستند که می شود تصور کرد و اتفاقاً برعکس خانواده ثروتمند خانواده ای باانصاف، مهربان و اخلاقی اند! در نهایت انگل ها نه تنها به خود رحم نکردند و فقط خودشان بودند که خودشان را تیکه پاره کردند و بر سر هیچ و پوچ خانواده ثروتمند را هم دریدند. جمع بندی فیلم در نهایت یک چیز است، اگر چه وضع موجود خوب نیست، اما بهتر است تغییر نکنند چون خیلی بدتر می شود!

۱۴- جوکر یک قدم جلوتر است، فرودست جوکر یک «انسان» است که با بازی خیره کننده بازیگرش، مخاطب را مبهوت خود می کند، بر خلاف خانواده انگل، با جوکر همذات پنداری می کنیم، جوکر مردی اخلاقی است و صمیمت و صداقتی کودکانه دارد، اما در نهایت جوکر هم تبدیل به یک هرج و مرج کور می شود، تحمل و طاقتش تاب می شود و به جای عمل هدفمند برای ایجاد تغییر و حرکت رو به جلو، کور عمل می کند و دست به جنایت می زند، آن هم با چهره ای خندان به هجو گرفتن زندگی و ساختار اجتماعی، نتیجه عمل جوکر هم چیزی جز قتل و بزه و هرج و مرج و ناامنی نیست، پس باز هم به همان نقطه قبل برمی گردیم، اگرچه وضعیت خوب نیست، اما معترض بودن هم همه چیز را بدتر می کند!

۱۵- آیا شباهتی و رابطه ای بین جوکر، انگل و آثاری از این دست و افرادی مثل آلن دوباتن و اروین یالوم و آثار آنان برقرار است؟! بله! همه شان در نهایت امر به «انفعال» دعوت می کنند، همه شان می گویند در نهایت این ما هستیم که عمیق نیستیم، باید جور دیگری به شرایط موجود و مشکلاتی که در سطح جامعه یا درون خودمان با آن مواجه هستیم، نگاه کنیم. وضع موجودی که آن بیرون است، واقعاً آن قدرها هم بد نیست اگر دقیق تر نگاه کنیم یا اگر هم بد هست، از خیلی چیزهای بدتر از آن بهتر است که خدا را صد هزار مرتبه شکر! فعلاً نگاهمان را عوض کنیم، فعلاً کاری نکنیم، فعلاً هر گونه تلاشی برای بهتر کردن اوضاع، بدتر کردن اوضاع می شود.

۱۶- سرمایه سالاری بد است، کاش می شد نباشد، کاش می شد همه چیز عادلانه باشد، کاش می شد این همه بدبختی که بیا خودت ببین و ما هم دیده ام و بیا اصلاً لجن ترین هایش را به نمایش می گذاریم، را تغییر داد، فکر نکن ما نمی بینیم، می بینیم بیشتر، بهتر و دقیق تر و عمیق تر و صریح تر و شجاعانه تر از هر کس دیگری که

فکرش را بکنی، سرمایه سالاری خیلی بد است، اما تغییر دادن آن نه ممکن است و نه مطلوب، بهتر است حفظ شود، لااقل فعلاً، اولاً همین که دارد اشکالات خودش را چنین خوب می فهمد و قبول می کند، امید می رود که بتواند خودش را اصلاح هم بکند (بلک میرر)، دوماً که اصلاً صد رحمت به همین فرادستان فعلی! لااقل انسانیت و انصاف دارند و به فکر فعالیت های خیرخواهانه و بشردوستانه اند! اما این فقرا و فرودستان که صد برابر بدترند، فقط آب ندیده اند و گرنه شناگرانی بس ماهرند و خدا به دادمان برسد که جای اینها عوض شود! آن ها به همدیگر هم رحم نمی کنند و چه برسد به غیر طبقه خود (انگل)! سوماً بالفرض فرودستانی خوبی پیدا شدند که آدم بودند، نتیجه کار آن ها چه می شود؟! آنارشسیسم و فروپاشی ساختار اجتماعی، هرج و مرج، قتل های زنجیره ای، جنایت و بی ثباتی و ... هیچ کس این شرایط را نمی خواهد (جوکر). چهارماً این وضع موجود نه تقصیر فرادستان و نه تقصیر نظام سرمایه سالار، بلکه تقصیر ذات انسانی است (پلتفرم)، پنجماً درست که هنوز اشکالات باقی است، آری، نگاهت را به اشکالات و اساساً به زندگی عوض کن (دوباتن، یالوم)! و در نهایت یک سوال؛ اصلاً مگر شرایط بهتر و بدتری وجود دارد؟! (فوکو، دریدا، بودریار، لیوتار و دیگران...)

۱۷- لازمه «جهش تولید»، تبدیل انفعال به فعالیت و کنشگری است. «انفعال» مهم ترین چالش معرفتی و ساختاری ما در این زمینه است که متأسفانه هم ریشه در فرهنگ و سابقه تاریخی ما دارد و هم امروزه با هر دستاویزی که شده از جوکر و انگل و پلتفرم و قسمت دوم فصل اول سریال بلک میرر و این گونه آثار در سطح رسانه گرفته تا اینستاگرام در سطح شبکه های اجتماعی و آلن دوباتن و اروین یالوم و ... در سطح اندیشه تبلیغ می شود. این وسط ما مییم که باید فعالیت و کنشگری خود را مبتنی بر تاریخ بومی و اسلام عزیز تعریف و از آن حراست و صیانت کنیم تا به رونق و جهش تولید که لازمه اش دوری گزیدن از انفعال و خمودگی و نشاط و امید به آینده و امید و ایمان به تغییر و بهبود است، برسیم.

## ... پایان